

اعتبارسنجدی عبارت "انا اصغر من ربی بستین" از حیث سند - محمدمهدی مودتی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال شانزدهم، شماره ۶۲ «ویژه قرآن و حدیث: پیوند ناگستینی»، بهار ۱۳۹۸، ص ۱۶۵-۱۸۱

اعتبارسنجدی عبارت "انا اصغر من ربی بستین" از حیث سند

محمدمهدی مودتی*

چکیده: در برخی از منابع، که عمدهاً منابع سنی و صوفی و گاهی منابع شیعی است، جمله «انا اصغر من ربی بستین» را به رسول خدا ﷺ و گاهی به امیر مؤمنان علیؑ نسبت داده‌اند. نگارنده بیست و پنج منبع برای این گفتار را به ترتیب زمان، از داود و قیصری متوفی ۷۵۱ قمری تا معاصران آورده و آنها را تحلیل و بررسی سندی می‌کند. نتیجه بررسی سندی آن است که هیچ یک از این نقل‌ها سند ندارد، و بیشتر این ناقلان گرایش عرفانی دارند. لذا به لحاظ سندی قابل اطمینان نیست.

کلیدواژه‌ها: انا اصغر من ربی بستین، جمله منسوب به پیامبر - بررسی سندی؛ کتابهای عرفانی - احادیث منسوب؛ قیصری، داود؛ احادیث مشهور - اعتبارسنجدی.

در سیر بررسی تاریخ اسلام، می‌بینیم که محبت و مودت خاندان عصمت و طهارت سلام الله عليهم به اتفاق علمای امت از جمله سفارشات صریح و موکد کلام الله و سنت نبوی است، اما در جبهه مخالف، ابليس و شیطان صفتان همواره در مقابل این امر الهی ایستاده و دشمنی خویش را به انحصار مختلف نمایان ساخته‌اند. این دشمنی، ریشه در علل متفاوتی داشته که در این مجال، فرصت پرداختن به یک یک آن‌ها نیست، فی الجمله می‌توان به عواملی همچون حسادت، طمع، قدرت طلبی و کینه توژی اشاره نمود. حاصل این تکاپوی خصم‌مانه علیه اهل بیت علیهم السلام، فعالیت‌های متعددی است که برگ برگ تاریخ اسلامی، گزارش گر آن است. این پدیده، گاه در آشکارترین جلوه خویش به شکل جنگ و قتال با آل رسول علیه السلام رخ می‌نمود که مصائب بزرگی چون واقعه کربلا را رقم زد. گاه نیز به جای مبارزه مسلحانه با راهکارهای به ظاهر مسالمت‌آمیزتری همچون حصر خانگی، تبعید و محدودیت‌های اجتماعی دیگر، این عداوت ابراز می‌گشت. اما در زیرکانه‌ترین شکل ممکن، خصومت اینان با ائمه معصومین صلوات الله عليهم در بستر علم و ملحقات آن، پدیدار می‌شد. این نوع از دشمنی را می‌توان به سه دسته مجزاً تقسیم نمود. ساده‌ترین و از جهتی نابخردانه‌ترین شکل عداوت در این بستر، بیان مطاعن و جسارت به این سلاله طاهرین بود که به سبب جایگاه بی‌بدیل ایشان در نزد همه امت اسلامی و به علت همان تأکیدی که در مطلع سخن بدان اشاره شد، معمولاً بیشتر سبب روسياهی و بی‌اعتباری گوینده می‌گشت. به عنوان مثال یکی از مشهورترین مسائل مطرح در جامعه اسلامی بر مبنای احادیث نبوی، ارتباط وجود کینه و دشمنی نسبت به امیرالمؤمنین صلوات الله عليه در دل فردی، با ناپاک زادگی او بود؛ به همین خاطر، حتی کسانی که در طول تاریخ سردمدار دشمنی با این خاندان محسوب می‌شدند، در ظاهر امر سعی داشتند این ننگ را از دامان خویش بزدایند و لذا به طرق مختلف ادعای محبت به اهل بیت علیهم السلام را در قالب نظم و نثر مطرح می‌نمودند؛ در نتیجه از آن جهت که این گونه ابراز دشمنی، آسیب و عوارض بسیاری برای قائلان به آن داشت، کمتر کسی آشکارا خود

را در مظانّ ناصبی‌گری قرار می‌داد.

دستهٔ دیگر که از بیان مطاعن نسبت به حضرات آل الله صلوات الله علیهم پرهیز کرده و نسبت به مفاسد آن برای خویش آگاه‌تر بودند، راه دیگری برای این مبارزه خصم‌مانه برگزیدند؛ اینان با استفاده از زر و زور، تمام همت خویش را صرف فضیلت‌سازی برای دشمنان اهل بیت^{علیهم السلام} به ویژه خلف ناصلاح و متقدم این خصومت نمودند. هدف این گروه، انکار انحصار شئون و مقامات والا در ائمهٔ اطهار صلوات الله علیهم بود به طوری که به عنوان مثال، در دورهٔ سلطنت بنی‌امیهٔ لعنهم الله، هزینهٔ زیادی صرف جعل حدیث در جهت فضیلت تراشی در قالبی تقلیدی و مشابه فضایل ذریهٔ رسول اکرم^{صلوات الله علیه و آله و سلم}، برای دشمنان ایشان شد. اگرچه این نقشه، بیش از عملکرد دستهٔ پیشین موثر واقع شد و تقدیس سازی‌ای هرچند پوشالین برای تنی چند از دشمنان خدا در میان عوام عامهٔ ایجاد نمود؛ اما آن قدر مطاعن از این افراد در طول تاریخ ثبت و ضبط شده بود که در بسیاری از موارد، اعتراف خود علمای عامهٔ به دروغین بودن این فضیلت‌های ساختگی را در پی داشت.

اما هوشمندانه‌ترین نوع این فعالیت، مربوط به دستهٔ سومی بود که نه قصد داشتن دامان خویش را به اتهام نصب، آلوده یابند و نه راهکار جعل حدیث و داستان سازی‌های افسانه‌ای را برای ناا هلان مشرمر می‌دانستند. راهکاری که این عدهٔ برای ابراز دشمنی با معصومین^{علیهم السلام} در پیش گرفتند، آنقدر زیرکانه و حیله‌گرانه بود که در طول تاریخ، حتی برخی از اهل دقت و پژوهش از امامیه نیز در دام این مکر گرفتار گشته و در تمیز آن ناموفق بوده‌اند. شاید بهترین تعبیری که می‌توان از این دسته داشت، گرگانی در پوستین میش است، آنان به خوبی می‌دانستند، موثرترین و ناملموس‌ترین روش در ابراز دشمنی خویش که در ظاهر امر نیز هیچ آسیبی برایشان نداشت، راهکاری بود که ایشان را در عداد دوست‌داران اهل بیت^{علیهم السلام} قرار می‌داد و در عین حال اثر تخریبی خود را هم داشت! با بررسی موشکافانهٔ متون روایی و تاریخی آشکار می‌گردد که یک حرکت بسیار خبیث و مرموز در جریان بیان فضائل برای خاندان رسالت^{علیهم السلام} انجام گرفته که در واقع با سوء

استفاده از فطرت پاک و مستعد پیروان ائمه علیهم السلام، تلاش شده با ممزوج ساختن اندکی سم در میان طعامی خوش طعم، آنان را بفریبد و این حیله تا جایی کارساز شد که آثار آنان تا به امروز در میان جامعه شیعی مطرح است! به نظر می‌رسد این عده به این نتیجه رسیدند که به سبب اهمیت جایگاه معصومین سلام الله عليهم و فراوانی فضائل و مناقب ایشان، از طریق این بستر، امکان ضربه زدن به باورهای راستین نسبت به شئونات بر جسته و یگانه حضرات و محقق کردن اهداف خصمانه شان، سهل الوصول تر است و لذا به ایجاد داستان‌هایی ساختگی در قالب فضیلت برای این ذوات مقدسه پرداختند که با زیرکی خاصی در باطن امر، (۱) یا شائی از شئون ایشان را مورد حمله و تنقیص قرار داده (۲) یا مقامی از مقامات شان را انکار می‌نمود (۳) یا مخالف امر صریح ایشان در پرهیز از غلو، به افراطی گری در نقل فضیلت دست می‌زد. این جعل و دسخانانه آنقدر به خوبی در میان ظاهر زیبای داستانی دروغین اما فریبنده پنهان می‌گشت که حتی گاهی برخی اهل علم از شیعه را نیز فریفته خویش ساخته و نهایتاً ایشان نادانسته، به نقل این افسانه‌ها بر فراز منبر یا در آثار مكتوب خویش پرداخته‌اند.

«عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي حَمْمَدٍ عَنْ عَلَىٰ بْنِ مُوسَى الرِّضا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ حَمْدٍ عَنْ أَبِيهِ حَمْدٍ بْنِ عَلَىٰ عَنْ أَبِيهِ عَلَىٰ بْنِ الْحُسَينِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَينِ بْنِ عَلَىٰ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا عَلَىٰ أَنْتَ الْمُظْلُومُ مِنْ بَعْدِي فَوَيْلٌ لِمَنْ ظَلَمَكَ وَاعْتَدَى عَلَيْكَ وَطُوبَ لِمَنْ تَبَعَكَ وَلَمْ يَجُنَّ عَلَيْكَ ... قَالَ إِبْرَاهِيمَ بْنُ أَبِي حَمْمَدٍ فَقُلْتُ لِلرِّضا يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ إِنَّ عِنْدَنَا أَخْبَارًا فِي فَضَائِلِ أَمِيرِ الْوَمَّانِ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ وَفَضْلُكُمْ أَهْلُ الْبَيْتِ وَهِيَ مِنْ رِوَايَةِ مُحَافِفِكُمْ وَلَا نَعْرُفُ مِثْلَهَا عِنْدَكُمْ أَفَدِينُ بِكُمْ فَقَالَ يَا ابْنَ أَبِي حَمْمَدٍ لَقَدْ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَاجَوْ سَلَامُ اللهِ عَلَيْهِ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أَصْنَعَ إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنْ إِلَيْسَنَ فَقَدْ عَبَدَ إِلَيْسَنَ ثُمَّ قَالَ الرِّضا يَا ابْنَ أَبِي حَمْمَدٍ إِنَّ مُحَافِفَنَا وَضَعُوا أَخْبَارًا فِي فَضَائِلِنَا وَجَعَلُوهَا عَلَىٰ تَلَاثَةِ أَقْسَامٍ أَحَدُهَا الْغُلُوُّ وَتَانِيهَا التَّعْصِيرُ فِي أَمْرِنَا وَتَالِهَا التَّصْرِيحُ بِمَتَالِبِ أَعْدَائِنَا فَإِذَا سَمِعَ النَّاسُ الْعُلُوَّ فِينَا كَفَرُوا شَيْعَنَا وَتَسْبُهُمْ إِلَى الْقَوْلِ يُؤْوِيَنَا وَإِذَا سَمِعُوا التَّعْصِيرَ اعْتَدُوهُ فِينَا وَإِذَا سَمِعُوا مَتَالِبَ أَعْدَائِنَا بِأَسْمَائِهِمْ تَبَلُّونَا بِأَسْمَائِنَا وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا تَسْبُهُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَيَسْبُبُوا اللهَ عَدُوًا بِعَيْرِ عِلْمٍ يَا ابْنَ أَبِي حَمْمَدٍ إِذَا أَخْدَى النَّاسُ بَيْنَهَا وَشَكَّالًا فَالْئِمْ

طَرِيقَتَنَا فِيَّا نَهَىٰ مَنْ لَزِمَنَا لَرِفَنَا وَ مَنْ فَارِقَنَا فَارِقَنَا إِنَّ أَدْنَىٰ مَا يَعْرُجُ بِهِ الرَّجُلُ مِنِ الْإِعْمَانِ أَنْ يَقُولَ لِلْحَسَنةِ
هَذِهِ نَوَاهٌ ثُمَّ يَدْبِيَنَ بِذَلِكَ وَ يَبْرُأُ مِنْ خَالَقَهُ يَا ابْنَ أَبِي مُحَمَّدٍ احْفَظْ مَا حَدَّثْتَ بِهِ فَقَدْ جَعَلْتَ لَكَ خَيْرَ
الْدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (عيونأخبار الرضاعلیل/٣٠٤/١)

به سبب اهمیت بسیار زیاد آشکارسازی این دسیسه و زدودن این شیوه (یا ضد) فضیلت‌ها از دریای بیکران فضائل اهل بیت سلام الله علیهم، در این مجال قصد آن داریم به صورت مصدقی به بررسی یکی از این موارد پرداخته و نقاب مکر و حیله را از چهره داستان دروغین فضیلت‌گونه برداریم و بر بنای بررسی سندي، جعلی بودن آن‌ها را ثابت نماییم. بحث در این مقال، جمله‌ای است که به امیرمؤمنان سلام الله علیه نسبت می‌دهند: «انا اصغر من ربی (الله) بستین».

حال به بیان مستندات عبارت مذکور در انتساب به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و توضیحات پیرامون آن می‌پردازیم:
بررسی اسانید:

ابتدا به ترتیب تاریخی، به منابعی که عبارت "أنا أصغر من ربی بستین" را به عنوان حدیث نقل نموده‌اند اشاره کرده و سپس با نقل عین عبارت به بررسی سندي آن‌ها می‌پردازیم... ۱. قیصری (م ۷۵۱ق) - رسائل قیصری:

«عرفا اسم دهر را، که از اسماء الهیه است منشأ ظهور زمان میدانند و این اسم چون از اسماء الهیه و مستند بذات حق است، در فوق زمان نیز دارای مظاهری است که باین اعتبار منشأ ایام یا اعوام و سنتات الهیه است، لذا قال - علیه السلام - انا اصغر من ربی بستین...»^۱

اولاً، قیصری از شارحان مشهور مکتب ابن عربی و از عرفای مشهور زمان خویش است. ثانیاً او این جمله را (على الظاهر به جهت کاربرد علیه السلام) به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منسوب دانسته اما بدون اشاره به هیچ سندي برای ادعای خویش. نهایتاً

۱. رسائل قیصری نهایة البيان في درایة الزمان، نوشته‌ی شرف‌الدین داود بن محمود ساوی قیصری، محقق و مصحح: سید جلال‌الدین آشتیانی، ناشر: مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران، چاپ دوم، سال نشر ۱۳۸۱، صفحه‌ی ۱۳۷.

نکته مهم‌تر این‌که، بررسی سیر تاریخی منابع ناقل این جمله نشان می‌دهد، انتساب این عبارت به یکی از معصومین علیهم السلام، نخستین بار در قرن هشتم هجری رخ داده است و بر طبق تفخیص، پیش از این در هیچ منبعی چنین نسبتی نقل نشده است.

۲. قاضی سعید قمی (م ۱۱۰۳ ق) - شرح الأربعین:

«الحادیث الرابع عشر فی الخبر المروى عن التّبّی صلّی اللّه علیہ و آله علی ما سمعت من بعض المشايخ

غیر المشیخة عن رسول اللّه صلّی اللّه علیہ و آله أَتَهُ قال: أنا أصغر من ربّي بستين....»^۱

پس از گذشت حدود ۳۵۰ سال از دوره‌ی قیصری، قاضی سعید قمی این عبارت را کلام پیامبر صلوات اللہ علیہ و آله و سلم می‌داند نه کلام امیرالمؤمنین صلوات اللّه علیہ، در عین حال بدون ذکر کتاب یا فرد مشخصی به عنوان سند، صرفاً بیان می‌کند که از بعضی مشایخ حدیث خویش شنیده که به همین جهت قابل بررسی و ارزیابی نیست.

۳. محمدبن عبدالله بحرانی (زنده در ۱۱۷۳ ق) - سوانح:

«... سوانح این رساله شامل مطالب ذیل است:

الف. سانحه: در توضیح آیه شریفه "مثل الذين ينفقون اموالهم ... والله واسع عليم"

ب. سانحه: در شرح حدیثی از امالی

ج. سانحه: در شرح یک حدیث نبوی صلی اللّه علیہ و آله

د. سانحه: در شرح روایت «انا اصغر من ربّي بستین»

ه. در شرح روایتی از توحید صدقق»^۲

متأسفانه اصل کتاب سوانح به دست نیامد. طبق تحقیق، هیچ کدام از آثار این نویسنده

۱. شرح الأربعین، نوشته‌ی محمد سعید بن محمد مفید معروف به قاضی سعید قمی، نشر میراث مکتب، مصحح نجفقلی حبیبی، چاپ اول، ۱۳۷۹ش، صفحه‌ی ۳۵۵.

۲. در نسخه‌ای خطی که کاتب آن محمد بن عبدالله بحرانی است سال کتابت ۹۶۴ هـ ثبت شده است.

۳. به نقل از کتاب مجموعه‌ی رسائل در شرح احادیثی از کافی نوشته‌ی مهدی سلیمانی آشتیانی (معاصر)، و محمد حسین درایتی (معاصر)، ناشر موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر قم، سال نشر ۱۳۸۸، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۶۵-۱۶۴ فراز مذکور را در جمله‌ی تأییفات شخصی به نام محمد بن عبدالله بن علی بحرانی^۳ ذکر نموده، که او کتابی به نام سوانح دارد و در بخشی از آن به شرح این عبارت برداخته است.



منتشر نشده است. با این حساب از این نقل هم سندی قابل استخراج نیست.

۴. ملّا محمدی نراقی (م ۱۲۰۹ق) - مشکلات العلوم:

«روی عن علی علیه السلام آنے قال أنا أصغر من رئی بستین...»^۱

او نیز عبارت مذکور را صرفاً با لفظ "رُویٰ" بدون اشاره به منبع و سند نقل خویش، منسوب به امیرمؤمنان صلوات الله عليه بیان کرده است.

۵. سیدحسین بن میرمحمد ابراهیم قزوینی (م ۱۲۰۹ق) - رساله فی حلّ حدیث "أنا أصغر من رئی بستین":

«رسائل فی حدیث من سهی فی السهو و لم یلتفت مع حلّ حدیث انا اصغر من رئی بستین»^۲

۶. رساله فی حلّ حدیث "أنا أصغر من رئی بستین" از سید حسین بن میرابراهیم قزوینی^۳

«رسائل فی حلّ حدیث من سهی فی السهو و لم یلتفت مع حلّ حدیث "انا اصغر من رئی بستین"»^۴

متأسفانه به اصل رساله مذکور دسترسی پیدا نشد.

۶. محمدعلی کرمانشاهی (م ۱۲۱۶ق) - مقام الفضل:

«از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مشهور است که فرموده: "أنا أصغر من رئی بستین..."»^۵

۱. مشکلات العلوم، نوشته‌ی ملّا محمدمحمدی بن ابی ذر فاضل نراقی معروف به محقق نراقی، نسخه خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، صفحه ۲۰.

۲. به نقل از کتاب ریاض الجنة، محمدحسن بن عبدالرسول فانی زنوی (م ۱۲۱۸ق)، ناشر: کتابخانه‌ی عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) سال نشر ۱۳۷۸، جلد ۲ صفحه ۴۲۵ (۵ جلدی): در بیان تألیفات میرحسین قزوینی.

۳. ریاض الجنة ج ۲ ص ۴۲۵.

۴. به نقل از کتاب تاریخ حدیث شیعه در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری، نویسنده: حسین صفره (معاصر)، ناشر موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر قم سال نشر ۱۳۸۵، صفحه ۲۱۳، در شرح مکتوبات قرن سیزدهم.

۵. به نقل از کتاب فرهنگ اعلام علوم عقلی اسلامی، نویسنده: مرکز پژوهشی دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ناشر: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، سال نشر ۱۳۸۹ (۴ جلدی)، جلد دوم، صفحه ۳۲۸، در تالیفات حسین بن ابراهیم حسینی قزوینی.

۶. مقام الفضل، نوشته‌ی آقا محمدعلی بهبهانی (کرمانشاهی)، محقق: موسسه العلامه المجدد الوحید البهبهانی، ناشر همان موسسه در قم (۲ جلدی)، جلد اول، صفحات ۴۶۲ و ۴۶۳.

وی نیز هیچ سخنی از منبع و سند این عبارت جهت انتساب به مولای متقيان سلام الله عليه به میان نياورده و با لفظ "مشهور است" به نقل آن پرداخته است.

۷. مجدوب علی شاه (م ۱۲۳۸ق) - شرح حدیث "أنا أصغر من ربّي بستين":

«چنین گوید بنده جانی محمد جعفر بن صفرخان همدانی که در بعضی از مجالس یکی از احباب سوال نمود از این خاکسار معنی حدیثی را که مرویست از سید انبیاء علیه التحقیق و الشفاء که فرموده است انا اصغر من ربّي بستین...»^۱

وی عبارت را منسوب به رسول اکرم ﷺ می داند، اما هیچ منبعی برای این استناد بیان نمی کند، بعلاوه او از اقطاب صوفیه هم بوده است.

۸. سید عبدالله شبیر (م ۱۲۴۲ق) - مصایب الأනوار:

«الحادیث ۱۷۱ ما روی عن امیر المؤمنین علیه السلام قال: أنا أصغر من ربّي بستین...»^۲

ایشان هم، با عبارت "ما زوی" این جمله را منسوب به امیر المؤمنین صلوات الله علیه می سازد، در حالی که هیچ سندی برای این ادعای بیان نمی کند.

۹. سید جعفر بن ابی اسحاق کشفی (م ۱۲۶۷ق) - تحفة الملوك:

«و حدیثی که مشهور است از جانب امیر المؤمنین علیه السلام که فرموده است: "انا اصغر من ربّي بستین" ... هرچند که به این حدیث در جایی برنخوردم، لکن از آنجا که عدم وجود دلالت بر عدم وجود ندارد، خصوصاً از من، و معنای آن هم به این طور که ذکر شد حق بود...»^۳

وی مدعی است این عبارت بر طبق مشهور منسوب به مولای متقيان سلام الله علیه است، در عین حال نه تنها سندی ارائه نمی دهد بلکه معترض است، با وجود تحقیق، به این

۱. شرح حدیث انا اصغر من ربی بستین نسخه خطی کتابخانه ملک.

۲. مصایب الأනوار فی حل مشکلات الأخبار نوشته‌ی سید عبدالله بن سید محمدرضا شبیر حسینی نجفی کاظمی، در مجلد دوم، صفحه‌ی ۳۱۹.

۳. کتاب تحفة الملوكه گفارهای درباره‌ی حکمت سیاسی (دارایی) نوشته‌ی سید جعفر کشفی فرزند ابی اسحاق، معروف به آیت الله کشفی دارایی بروجردی، ناشر: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) سال نشر ۱۳۸۱، جلد اول، صفحه‌ی ۷۸ و ۷۹.



سخنی از سند این عبارت در این منبع نیز ذکر نشده است. او دو مین مقتدای شیخیه می باشد.

۱۱. سید حسین بن رضا بروجردی (م ۱۲۷۷ق) - الصراط المستقیم:

«و أما ما ذكره في معنى خبر أنا أصغر من رب بستين،... و أعلم أن هذا الخبر لم أظفر به في شيء من الأصول و كتب الأخبار، و لا شيء من مصنفات من تقدم من علمائنا الأخيار، و لا بأس به بعد موافقة مؤهلا لساير الآثار»^۴

وی در تأیید سخنان افرادی همچون سید کاظم رشتی، عبارت مذکور را به امیرمؤمنان صلوات الله عليه نسبت می دهد و در پاورقی به کتاب مشکلات العلوم نراقی ارجاع داده که پیش از این مورد بررسی قرار گرفت و سپس در فرازی دیگر اذعان می کند در هیچ منبع متقدّم و کتب متأخر حدیثی چنین عبارتی را نیافته و نه حتی در کتابی از کتب علمای بر جسته شیعه. در عین حال به جهت ادعای همسوی آن با سایر روایات به نقل این

۱. هو السيد کاظم بن قاسم الحسيني البيلاني الرشتى.

۲. لم أظفر على مصدر له، قال النراقى فى مشكلات العلوم: ص ۲۰: روى عن على عليه السلام أنه قال: «أنا أصغر من رب بستين» ثم احتمل له معنيين أولهما بعيدا جدا، و سائق كلامه إن شاء الله تعالى.

۳. به نقل از تفسیر الصراط المستقیم، نوشته‌ی حسین بن رضا بروجردی، شاگرد شیر و کشفی، ناشر انصاریان (۵ جلدی)، جلد ۳ صفحه ۱۴۵.

۴. همان، جلد ۳ صفحه‌ی ۱۴۷.

عبارت می‌پردازد.

۱۲. نجفقلی (نجفعلی) انجданی (قرن ۱۳)- شرح احادیث مشکله:

«حدیث از حضرت امیر^{علیه السلام} منقول است که فرمودند آنا اصغر من رئی بستین...»^۱
او نیز بدون ذکر سند، بیان می‌کند که این عبارت از حضرت امیر سلام الله علیه منقول است.

۱۳. عباس شریف دارابی (م ۱۳۰۰ق) - تحفه المراد:

«هم چنین هر متحرّک را غایت و ما الیه باید و غایت نفس، عقل است و غایت عقل باری تعالیٰ. پس نفس بدو مرتبه دون الواجب است کما قال علی^{علیه السلام}: آنا اصغر من رئی بستین...»^۲

وی نیز جمله مذکور را به حضرت مولا صلوات الله علیه نسبت داده اما هیچ منبعی برای این انتساب ذکر نکرده و در یک جمله به توضیح مفهوم آن پرداخته است.

۱۴. نظرعلی طالقانی (م ۱۳۰۶ق) - کافش الأسرار:

«ظاهر آن است که مراد از این زمان‌ها که در اخبار ذکر می‌شود بعد مراتب و درجات است مثل (آنا اصغر من رئی بستین...)»^۳

به قرینه استفاده از لفظ "اخبار"، نویسنده مذکور این جمله را منسوب به معصومان^{علیهم السلام} می‌داند، اما باز سندی ارائه نمی‌دهد جز این‌که در پاورقی همان کتاب، ارجاعی به کتاب متنه‌ی الامال داده شده که در عین شگفتی در آن منبع نیز چنین چیزی یافت نشد.

۱۵. سید ابوالقاسم دهکردی (م ۱۳۵۳ق) - منبر الوسیله:

۱. نسخه‌ی خطی کتابخانه مجلس.

۲. تحفه المراد، شرح قصیده‌ی میرفندرسکی، به ضمیمه شرح خلخالی و گیلانی، نویسنده ملا عباس شریف دارابی شیرازی شاگرد ملا هادی سبزواری، ناشر: الزهراء(س)، سال نشر ۱۳۷۲، صفحه‌ی ۱۵۵، ذیل عبارت "تمثیل جمیل".

۳. محدث قمی، متنه‌ی الامال، باب سیم تاریخ امیرالمؤمنین، فصل ششم ذکر اولاد حضرت امیرالمؤمنین، ص ۳۱۸ (مطلوب مذکور در این منبع یافت نشد).

۴. کافش الأسرار، نوشته‌ی ملانظرعلی طالقانی، فرزند سلطان محمد، ناشر رسا، سال نشر ۱۳۷۳ (۲ جلدی)، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۰۵



«و تعدد قدماء، بالضروره باطل است و فساد عقيدة نصارى به "اقانيم ثلاثة" که قدیم باشند، ظاهر است. پس ممکن است که معنی حدیث معروف "أنا اصغر من ربی بستین"^۱ همین باشد؛...»^۲

وی با ذکر عبارت "حدیث معروف" بدون مشخص کردن انتساب آن به معصوم خاص و ذکر سند به شرح معنای آن پرداخته است. ضمناً در پاورپری همان کتاب ذکر شده که این عبارت در جوامع روایی یافت نشد.

١٦. محمدحسین کاشفالغطاء (م ١٣٧٣ق) - الفردوس الأعلى / جنةالمأوى:

«و هو المثل الأعلى الحاکي بنوع من الحكاية عن تلك الذات المقدسة المحتجة بسرادق العضمة والجبروت و غيب الغيوب. يا من لا يعلم ما هو الا هو. و ذلك العقل الكلى أو الصادر الأول - ما شئت فعير - أو الحقيقة الحمدية متصلة بمبدئها غير منفصلة عنه. لا فرق بينك وبينها إلا أئم عبادك و خلقك؛ بدؤها منك و عودها إليك "أنا أصغر من ربی بستین..."»^۳

«و هو المثل الأعلى الحاکي بنوع من الحكاية عن تلك الذات المقدسة المحتجة بسرادق العضمة والجبروت و غيب الغيوب. يا من لا يعلم ما هو الا هو. و ذلك العقل الكلى أو الصادر الأول - ما شئت فعير - أو الحقيقة الحمدية متصلة بمبدئها غير منفصلة عنه. لا فرق بينك وبينها إلا أئم عبادك و خلقك؛ بدؤها منك و عودها إليك "أنا أصغر من ربی بستین..."»^۴

در کمال تعجب، عبارت موجود در هر دو کتاب کاملاً یکسان و جمله مورد نظر بدون منبع به عنوان مؤید بحث ذکر شده است.

١٧. شیخ علی نمازی شاهروdi (م ١٤٠٥ق) - مستدرک سفینة البحار:

«و تقدم فی "رب" قوله: انا اصغر من ربی بستین.»^۵

١. در جوامع روایی دیده نشد.

٢. منبر الوسیله، مباحث اعتقادی به روش فلسفی و عرفانی، نوشته‌ی سید ابوالقاسم حسینی دهکردی اصفهانی، ناشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم مرکز انتشارات قم سال نشر ١٣٧٩، صفحه‌ی ١١١، الباب الأول فی معرفة الله و توحیده.

٣. الفردوس الأعلى، نوشته‌ی محمدحسین بن علی بن جعفر کاشف الغطا، ناشر دار انوارالهدی قم، صفحه ٢٥٦.

٤. جنة المأوى، نوشته‌ی محمدحسین کاشف الغطا، ناشر دلیل ما، سال نشر: ١٤٣٩ق، جلد ١، صفحه‌ی ٣١٨.

٥. مستدرک سفینة البحار، نویسنده شیخ علی نمازی شاهروdi، ناشر: موسسه النشر الاسلامی التابع لجامعة المدرسین بقم المقدسة، جلد ع صفحه‌ی ٢٨٥.

نموده‌اند:

این در حالی است که در ذیل ریشه "رب" در مجلد چهارم صفحات ۴۴ تا ۴۸، اصلاً به این عبارت اشاره نشده است. پس از بررسی معلوم شد که این عبارت در چاپ اول این کتاب که در سال ۱۳۳۶ شمسی در مشهد منتشر شده وجود داشته اما در تجدید چاپ‌ها افتداده است. در آن نسخه ایشان در پاورقی از کتاب مشکلات العلوم نراقی نقل

^۱ بستین...»

«قال العلامة النراقي قده في مشكلات العلوم ص ۲۰ روی عن علی عثیل انه قال انا اصغر من ربی

۱۸. سید محمدحسین حسینی طهرانی (م ۱۴۱۹ق) – معرفة الله:

و هو المثل الأعلى الحاكم ب نوع من الحكاية عن تلك الذات المقدسة المحتجبة بسراويل العضمة و الجبروت و غيب الغيوب. يا من لا يعلم ما هو الا هو. و ذلك العقل الكلى أو الصادر الأول - ما شئت فعير - أو الحقيقة الحمدية متصلة بمبدئها غير منفصلة عنه. لا فرق بينك وبينها إلا أئم عبادك و خلقك؛ بدؤها منك و عودها إليك. أنا أصغر من ربی بستین...»^۳

اولاًً متنی که او در کتاب خویش آورده عیناً متن مذکور از کتب مرحوم کاشف الغطاء می‌باشد، بدون آن که به منبع متن اشاره کند. ضمناً در پاورقی به کتاب سید حیدر آملی ارجاع داده شده که با مراجعه به اصل متن آشکار می‌گردد، جناب سید این کلام را به اهل تصوف متسب دانسته است.^۴

۱۹. سید جلال الدین آشتیانی (م ۱۴۲۵ق) - شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحكم:

«قد اشتهر انه قال رسول الله: "انا اصغر من ربی بستین..."»^۵

۱. مستدرک سفينة البحار، نوشته‌ی شیخ علی نمازی شاهروdi، ذیل ریشه‌ی "رب"، چاپ اداره‌ی نشر خراسان سال ۱۳۳۶ ش.

۲. معرفة الله، نوشته‌ی محمدحسین حسینی طهرانی، محقق احمد صقر، ناشر دار المحة البيضاء بیروت (۳ جلدی)، جلد ۳، صفحه ۱۸۰.

۳. وقد ذكرها السيد حيدر الاملي في مقدمات كتاب «نص النصوص» ص ۱۰: بالشكل التالي: كقولهم: أنا أقل من ربی بستین، و قولهم: ليس بيني وبين ربی فرق الا أنی تقدمت بالعبودية.

۴. ... و ثالثهم الخرقاني الذي قال : "أنا أقل من ربی بستین" - و قول غيره "انا اقل من ربی بستین" - و من هذا قال العارف "أنا أقل من ربی بستین".

۵. شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحكم، نوشته‌ی سید جلال الدین آشتیانی، انتشارات امیرکبیر، سال نشر ۱۳۷۰، صفحه ۷۴۲.

او از معدهود افرادی است که مانند قاضی سعید قمی، این جمله را کلام رسول اکرم ﷺ می‌داند، اما فقط برای نقل، به بیان مشهور بودن این انتساب اکتفا کرده و سندی ذکر نمی‌کند.

۲۰. محمدباقر بهبودی (م ۱۴۳۵ق) در پاورقی بحارالأنوار، جمله بحار را آورده است:
 «...أن جمهور الروايات جاءت بأنه عليه السلام قبض و له خمس و ستون سنة و جاء في بعضها أن سنّة كانت عند وفاته ثلثاً و ستين سنة» آنگاه ذیل آن می‌نویسد: «أقول: و الحق أَنَّه قبض عليه السلام بعد ما دخل في السنة الرابعة و السنتين كما ان النبي صلوات الله عليه قبض و قد دخل في السنة السادسة و السنتين و لذلك يقول عن نفسه عليه السلام «أنا أصغر من رب بيستين»...»^۱

این جمله نه در متن اصلی علامه مجلسی بلکه در پاورقی آقای محمد باقربهبودی بدون سند ذکر شده است. در نتیجه از انصاف علمی به دور است که جمله مذکور، بدون تذکر به وجود عبارت در حاشیه و نه خود متن، از کتاب شریف بحارالأنوار سند داده شود که این کار افتراقی به مرحوم مجلسی است و عملی خارج از قواعد علمی. (صرف نظر از اصل افتراقی در انتساب به حضرت مولانا امیرالمؤمنین صلوات الله عليه)

۲۱. سید مرتضی مستنبط غروی (معاصر) - مواهب الرحمن:

«... اشار عليه السلام بقوله أنا أصغر من رب بيستين»^۲

او نیز در تأیید سخنان خویش بدون ذکر منبع، این عبارت را به امیرالمؤمنین سلام الله عليه منتبه نموده است.

۲۲. سید محمدصادق روحانی (معاصر) - اجوبة المسائل:

«۵۶۰- فی الحديث: "أنا أصغر من رب بيستين"، فالمرجح منكم شرح معنى هذا الحديث العظيم بنحوٍ

۱. کتاب شریف بحارالأنوار در مجلد ۳۸ صفحه ۲۷۸ طبع بیروت باب ۶۵ - آنچه صلوات الله عليه سبق الناس فی الاسلام و الایمان ...

۲. و يمكن ان يراد من ستين الالوهية و النبوة فهو -ع- في الامامة فقط منه.

۳. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن (مستنبط)، نوشته‌ی مرتضی بن سید رضی موسوی مستنبط، ناشر: شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان، جلد ۳۰ صفحه ۳۱۰.

یفرج قلوب الأولیاء؟ یا سمه جلت امناؤه: الحدیث المذکور وارد عن امیر المؤمنین علیہ السلام...»^۱

ایشان اگرچه تصريح کرده که اين عبارت از وجود مقدس امير المؤمنان سلام الله عليه صادر گشته، اما هيچ اشاره‌اي به سند ادعای خويش نمي‌كند.

۲۳. سيد هاشم رسولي محلاتي (معاصر) - درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام:

«... یا روایت "أنا أصغر من ربّي بستين" که از امیر المؤمنین علیہ السلام روایت شده ...»^۲

او نيز به سبک سايرين، بدون ذكر منبع، به اين عبارت اشاره کرده و آن را به حضرت مولا متسب می‌سازد.

۲۴. رواء جمال العلى (معاصر) - پاورقی الأصيفر:

«إلي أَنْ قَالَ: وَ لَا فَرْقَ بَيْنَ هَذَا الْإِسْمِ وَ بَيْنَ مَسْمَاهِ إِلَّا إِنَّهُ عَبْدُهُ وَ هُوَ رَبُّهُ (أَنَا أَصْغَرُ مِنْ رَبِّي بَسْتِين) ...»^۳

اولاً اين كتاب از جمله مصادر فرقه نصيريye است. در عين حال محقق آن بدون هيچ منبعی عبارت را ذکر کرده و از قرائين به نظر می‌رسد جمله را منسوب به پیامبر اکرم ﷺ دانسته است.

۲۵. سيد علی ميلاني (معاصر) - سایت ايشان:

پس از مراجعه و بررسی مطلب مورد نظر در سایت ايشان مشخص شد، اولاً منبعی از طرف ايشان مطرح نگردیده بلکه خود سؤال کننده و مستفتی اين گونه پرسیده و سند از طرف او بيان شده است. ثانياً جناب آقا ميلاني نسبت به سندیت و مؤثر بودن اين عبارت سکوت کرده و فقط معنای عبارت را طوری تفسیر نموده‌اند که معنای کلمه "ستين" را در اين عبارت "مرتبتین" می‌دانند. متن سوال و جواب عيناً اين گونه است:

۱. كتاب أجيوبة المسائل في الفكر والعقيدة والتاريخ والأخلاق، نوشته‌ی محمدصادق روحانی ناشر دار زین العابدين علیہ السلام قم سال نشر ۱۴۳۱ (۲ جلدی)، جلد اول صفحه ۲۸۱ و ۲۸۲.

۲. كتاب درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، ناشر پاسدار اسلام قم سال نشر ۱۳۷۱ (۴ جلدی)، نوشته‌ی هاشم رسولي محلاتی، جلد ۲ صفحه‌ی ۳۰۰.

۳. الأصيفر، محمد بن شعبة الحراني (قرن ۴ ق)، باب دوم، صفحه ۲۱۰، در پاورقی، محقق رواء جمال على، سال نشر ۲۰۱۶ ميلادي.



«سنده این حدیث چگونه است: قال علی بن ابیطالب: انا اصغر من اللہ ستین (بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، سال ۱۴۰۴ هـ، ق، ج ۳۸، ص: ۲۷۸) آیا می‌توان یکسره این حدیث را رد کرد؟ و یا باید به وجه احسن تاویل نمود؟

پاسخ آیت الله سید علی حسینی میلانی مدظلله: بسمه تعالی السلام علیکم مراد ستین مرتبین است، بعد از خدا نبی و بعد از نبی امام است»^۱

در پرسش سؤال کننده به این مهم اشاره شده که آیا می‌توان به کلی این عبارت را رد نمود یا باید آن را به صورت به ظاهر درستی توجیه کرد، و جناب آقای میلانی، تلویحاً به معنای صحیحی که در نظر ایشان قابل برداشت از آن عبارت است اشاره کرده‌اند، اما در پاسخ خویش، نکته‌ای در مورد سند مورد ادعای فرد پرسش‌گر ندارد و به عدم وجود این عبارت در متن کتاب شریف بخار و تعلق آن به حاشیه کتاب، اشاره‌ای ننموده‌اند. ضمناً خود ایشان هم سند دیگری برای تأیید اعتبار این عبارت ذکر نکرده‌اند.

جمع‌بندی بررسی اسانید:

۱. طبق بررسی‌های تاریخی، اولین بار این جمله در قرن هشتم هجری فرمی، به وجود مطهر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نسبت داده شده است.

۲. در هیچ‌کدام از این نقل‌ها از قرن هشتم تا به امروز، نویسنده‌گان، سندي برای ادعای انتساب کلام مذکور اقامه ننموده‌اند؛ به‌طوری که یا مستقیماً ذکر کرده که ایشان فرموده‌اند یا صرفاً با عبارت‌های "مشهور است"، "مرویست"، "منقول است"، "روایت شده"، "حدیث معروف" به نقل آن پرداخته‌اند.

۳. در برخی موارد، این جمله را به وجود مقدس رسول اکرم ﷺ نسبت داده‌اند؛ پس در گوینده‌ی این کلام هم تردید وجود دارد.

۴. قاطبۀ افراد مذکور، جزو عرفا و صوفیه مشهور طول تاریخ هستند و ماقبی هم - جز اشخاص شاذ و نادر - گرایش‌های عرفانی داشته‌اند. (دو مورد نیز به فرق ضالۀ شیخیه و

نصیریه متناسب بودند.)

۵. در آثار صاحبان اثر و متفکران مربوط به فرق موصوف در مورد قبل، موارد بسیاری از غلو و افراط به چشم می خورد.

در نهایت، مجموع بررسی های سندی نشان داد که هیچ دلیل و مدرک علمی و روشنی برای انتساب این جمله به ساحت معمومین صفات الله علیهم اجمعین وجود ندارد و لذا باید از پرداختن به این گونه اقوال حداقل به جهت پرهیز از افترا و دروغ بستن به حجج الہی علیہ السلام، به شدت دوری گزید. شایان ذکر است بررسی محتوایی و درایی این عبارت به منظور تبیین فساد اعتقادی مطلب فارغ از فقد سند و همچنین واکاوی اسناد مبتنی بر اصل صدور این جمله از زبان خود اقطاب صوفیه و عرفانی، نیازمند مجال دیگری است که ان شاء الله به بررسی آن خواهیم پرداخت.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه (شیخ صدق)، محمد بن علی، عيون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۲. انجданی، نجف علی، نسخه خطی موزه مجلس، دارالخلافه طهران در مدرسه ام السلطان، ۱۴۴۵ ق.
۳. آشتیانی، سید جلال الدین، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحكم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰ ش.
۴. آملی، سید حیدر بن علی، المقدمات من كتاب نص الصوص، تهران، توس، ۱۳۶۷ ش.
۵. بروجردی، حسین بن رضا، تفسیر الصراط المستقیم، قم، موسسه انصاریان، ۱۴۱۶ ق.
۶. بهبهانی (کرمانشاهی)، آقا محمدعلی، مقام الفضل، قم، موسسه العلامه المجدد البهبهانی، ۱۴۲۱ ق.
۷. حرّانی، محمد بن شعبة، رسالة الأصيفر، ۲۰۱۶ م.
۸. حسینی طهرانی، محمدحسین، معرفة الله، بیروت، دار الحجۃ البیضاء، بی تا.
۹. دارای شیرازی، ملا عباس شریف، تحفة المراد، الزهرا (س)، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. دهکردی اصفهانی، سید ابوالقاسم حسینی، منبر الوسیله مباحث اعتقادی به روش فلسفی و عرفانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ ش.
۱۱. رسولی محلاتی، هاشم، درس هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، قم، پاسدار اسلام، ۱۳۷۱ ش.
۱۲. روحانی، سید محمدصادق، کتاب أجوية المسائل في الفکر و العقيدة و التاریخ و الأخلاق، قم، دار زین العابدین علیه السلام، ۱۴۳۱ ق.
۱۳. سلیمانی آشتیانی، مهدی، مجموعه رسائل در شرح احادیث از کافی، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. شیر، سید عبدالله بن سید محمد رضا، مصایب الأنوار في حل مشكلات الأخبار، قم، بصیرتی، ۱۳۷۱ ش.

۱۵. صفره، حسین، تاریخ حدیث شیعه در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۵ش.
۱۶. طالقانی، ملانظرعلی بن سلطان محمد، کاشف الأسرار، تهران، رس، ۱۳۷۳ش.
۱۷. فانی زنوزی، محمدحسن بن عبدالرسول، ریاض الجنّة، قم، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۳۷۸ش.
۱۸. قیصری، شرف‌الدین داود بن محمود ساوی، رسائل قیصری خایة البيان فی درایة الزمان، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱ش.
۱۹. قاضی سعید قمی، محمد سعید بن محمد مفید، شرح الأربعین، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۹ش.
۲۰. کاشف الغطاء، محمدحسین بن علی بن جعفر، الفردوس الأعلى، قم، دار انوارالله‌ی، ۱۴۲۶ق.
۲۱. کاشف الغطاء، محمدحسین بن علی بن جعفر، جنة المأوى، قم، دلیل ما، ۱۴۲۹ق.
۲۲. کشفی دارابی بروجردی، سید جعفر بن ابی اسحاق، تحفة الملوك گفارهای درباره حکمت سیاسی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ش.
۲۳. مجذوب علیشاه قراگزلو، محمدجعفر همدانی، شرح حدیث انا اصغر من ربی بستین قاجاریه، نسخه خطی کتابخانه و موزه ملکی ملک، ۱۲۶۳ق.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
۲۵. محقق نراقی، محمدمهدی بن ابی ذر فاضل نراقی، مشکلات العلوم، نسخه خطی سازمان استاد و کتابخانه ملی.
۲۶. مرکز پژوهشی دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، مرکز پژوهشی دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹ش.
۲۷. مستنبط، مرتضی بن سید رضی، موهب الرحمن فی تفسیر القرآن، شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان، ۱۳۸۱ق.
۲۸. نمازی شاهروdi، شیخ علی، مستدرک سفینة البحار، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعہ جماعتہ المدرسین، ۱۳۸۵ش.
۲۹. نمازی شاهروdi، شیخ علی، مستدرک سفینة البحار، مشهد، چاپ اداره نشر خراسان، ۱۳۳۶ش.